

L'Attentat de Yasmina Khadra : application de l'approche sociocritique de Claude Duchet

Faranak Zandieh

Doctorante de la langue et littérature française à l'université Azad Islamique branche Tehran Markazi, Téhéran, Iran

Shahrzad Makoui¹ (Auteur correspondant) 

Professeur adjoint à l'université Azad Islamique branche Tehran Markazi, Téhéran, Iran

Leyla Ghafouri Gharavi

Professeur adjoint à l'université Azad Islamique branche Tehran Markazi, Téhéran, Iran

Néda Atashvahidi

Professeur adjoint à l'université Azad Islamique branche Tehran Markazi, Téhéran, Iran

Résumé

La sociocritique est une méthode d'analyse qui s'intéresse aux aspects sociaux et littéraires d'une œuvre. *L'Attentat* de Yasmina Khadra, écrivain algérien, est un roman multidimensionnel dont la socialité et la littérarité se sont développées parallèlement. Yasmina Khadra est l'un des rares écrivains francophones à avoir tenté d'écrire avec un regard impartial, une histoire inspirée des réalités sociales de la guerre entre Israël et les Palestiniens, et à décrire ainsi les troubles du peuple palestinien dans les territoires occupés. Dans cet article, nous avons tenté d'enquêter sur les infrastructures sociales du roman *L'Attentat* en utilisant la sociocritique de Claude Duchet, qui se concentre principalement sur le texte. Après avoir examiné les discours de l'œuvre et trouvé des signes cachés dans le texte, nous examinerons le rôle de la société de référence dans la production de sens dans la société du texte. Nous soulignerons les aspects non-dits et implicites du texte et analyserons enfin le sociogramme du terrorisme. Pour ce faire, nous avons étudié et analysé le texte selon les concepts analytiques de Duchet, tels que la société du texte, la société de référence et le sociogramme.

Mots-clés : sociocritique, Claude Duchet, discours sociale, sociogramme, société du texte, société de référence, *L'Attentat*.

¹. E-mail: drmakoui@gmail.com
<https://orcid.org/0000-0002-3110-9362>

DOI: <https://doi.org/10.22067/rltf.2024.84197.1091>

***The Attack* by Yasmina Khadra: Application of the Sociocriticism Approach of Claude Duchet**

Faranak Zandieh

PHD student in French literature, Islamic Azad University, branch of Tehran Markazi, Tehran, Iran

Shahrzad Makoui¹ (Corresponding author) 

Assistant Professor of French literature, Islamic Azad University, branch of Tehran Markazi, Tehran, Iran

Leyla Ghafouri Gharavi

Assistant Professor of French literature, Islamic Azad University, branch of Tehran Markazi, Tehran, Iran

Neda Atashvahidi

Assistant Professor of French literature, Islamic Azad University, branch of Tehran Markazi, Tehran, Iran

Abstract

Sociocriticism is a method of text analysis that simultaneously addresses the social and literary aspects of a work. *The Attack*, written by Algerian author Yasmina Khadra, is a multi-dimensional novel whose social and literary aspect have developed in parallel. This work can be considered a text that maintains its links with social reality. Yasmina Khadra is one of the few French-speaking writers who has attempted to write a story inspired by the realities of society with an impartial view, a story influenced by the war between Israel and the Palestinians, and in this way portrays the turmoil of the Palestinian people in the occupied territories. In this article, an attempt is made to investigate the social infrastructures of *The Attack* using Claude Duchet's sociocriticism, which focuses primarily on the text. After examining the social discourses within the work, we will explore the role of the reference society in the production of meaning in the text society. By finding hidden signs in text, we emphasize the unspoken and implied aspects and finally analyze the sociological aspects of terrorism. To achieve this, we have studied and analyzed the text according to Duchet's analytical concepts such as the society of the text, society of reference and sociogram.

Keywords: sociocriticism, Claude Duchet, social discourse, sociogram, text society, reference society, *The Attack*.

¹. E-mail: drmakoui@gmail.com DOI: <https://doi.org/10.22067/rltf.2024.84197.1091>
<https://orcid.org/0000-0002-3110-9362>

سوءقصد اثر یاسمینا خضراء: کاربست رویکرد جامعه‌شناختی کلود دوشه

مقاله پژوهشی

فرانک زندیه

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فرانسه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

شهرزاد ماکویی^۱ (نویسنده مسئول)

استادیار زبان و ادبیات فرانسه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

لیلا غفوری‌غروی

استادیار زبان و ادبیات فرانسه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

ندا آتش‌وحیدی

استادیار زبان و ادبیات فرانسه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

چکیده

نقد جامعه‌شناختی روشی برای تحلیل متن است که توأمان به جنبه‌های اجتماعی و ادبی یک اثر می‌پردازد. سوءقصد، نوشته یاسمینا خضراء نویسنده الجزایری، رمانی چندبعدی است که اجتماعی و ادبی بودن آن به موازات هم رشد کرده‌است. این اثر را می‌توان متنی دانست که پیوندهای خود را با واقعیت اجتماعی حفظ کرده است. یاسمینا خضراء از معدود نویسندگان فرانسه‌زبانی است که سعی نموده در رمان خود با الهام از واقعیات اجتماع و با نگاهی بی‌طرفانه داستانی متأثر از جنگ بین اسرائیل و فلسطینیان بنویسد و به این ترتیب، شرح آشفتگی‌های مردم فلسطین در سرزمین‌های اشغالی را به تصویر بکشد. در این مقاله کوشش شده‌است با بهره‌گیری از نقد جامعه‌شناختی کلود دوشه که بیشترین تمرکز را بر روی متن دارد به بررسی زیرساخت‌های اجتماعی رمان سوءقصد پرداخته و پس از بررسی گفتمان‌های اثر به نقش جامعه مرجع در تولید معنا در جامعه متن پردازیم و با یافتن نشانه‌های نهفته در متن بر جنبه‌های ناگفته و ضمنی اثر تأکید کنیم و درنهایت به تحلیل جامعه‌نگار آن که تروریسم است پردازیم. برای انجام این کار، متن را باتوجه به مفاهیم تحلیلی دوشه مانند جامعه‌متن، جامعه مرجع و جامعه‌نگار، مطالعه و تحلیل نموده‌ایم.

کلیدواژه‌ها: نقد جامعه‌شناختی، کلود دوشه، گفتمان اجتماعی، جامعه‌نگار، جامعه متن، جامعه مرجع، سوءقصد.

^۱. E-mail: drmakoui@gmail.com DOI: <https://doi.org/10.22067/rltf.2024.84197.1091>
<https://orcid.org/0000-0002-3110-9362>

۱. مقدمه

سوءقصده^۱ دومین رمان از سه‌گانهٔ یاسمینا خضراء^۲ نویسندهٔ الجزایری‌الاصیل است که در سال ۲۰۰۵ چاپ شد و جوایز متعددی از جمله جایزهٔ کتابفروشان^۳ را برای نویسندهٔ خود به ارمغان آورد. یاسمینا خضراء نام مستعاری است که محمد مولی‌السهول افسر شیفتهٔ ادبیات ارتش الجزایر برای خود انتخاب نمود تا از سانسور نظامی آثارش توسط دولت الجزایر در امان باشد. بسیاری از آثار خضراء بازتاب شرایط اجتماعی-سیاسی خاورمیانه در مقابلهٔ با پدیدهٔ تروریسم است. یکی از دلایلی که آثار خضراء را در کانون توجه قرار داده تفاوت تعریف تروریسم از نگاه او بین غرب و شرق است. از نگاه خضراء، غربیان تروریسم را آن‌گونه که می‌خواهند تفسیر می‌کنند. سومین رمان او از مجموعهٔ سه‌گانه، آشکارا دخالت غرب را در بروز تروریسم در خاورمیانه نشان می‌دهد.

سوءقصده شرح زندگی اندوهبار فلسطینیان از نگاه یک عرب اسرائیلی در سرزمین‌های اشغالی است. امین جعفری جراح فلسطینی تبار ساکن تل‌آویو که هیچگاه خود را درگیر نزاع اسرائیل و اعراب نکرده، ناخواسته و با بروز حادثه‌ای تلخ به سرزمین اجدادی خود سفر می‌کند و از نزدیک با واقعیت زندگی آوارگان فلسطینی و رنج‌ها و آلام آنان روبه‌رو می‌شود. از این رو، قصده داریم در مقالهٔ پیش رو خوانشی جامعه‌شناختی از این رمان ارائه دهیم.

پیشینهٔ بحث رابطهٔ جامعه و ادبیات به زمان‌های دور می‌رسد ولی در سدهٔ نوزدهم بود که اولین پایه‌های علم مستقل جامعه‌شناسی ادبیات بنیان گذاشته شد. «در سدهٔ نوزدهم منتقدانی مانند مادام دو استال و ایپولیت تن و فیلسوفانی مانند هگل و مارکس و بعدها لوکاکچ^۴ و گلدمن^۵ اصولی را طرح کرده‌اند که تمام تحولات بعدی، آگاهانه یا ناآگاهانه تابع آن‌ها است» (ایو تادیه، ۱۳۷۷، صص. ۹۹-۹۸).

^۱ *L'Attentat*

^۲ Yasmina Khadra

^۳ Le prix des libraires

^۴ Lukács

^۵ Goldman

لوکاچ در کتاب خود به نام *تاریخ و آگاهی طبقاتی*¹ که در سال ۱۹۲۳ منتشر شد و کتابی تعیین کننده برای جامعه‌شناسی فرهنگ و ادبیات است، «ساختارهای ذهنی، به ویژه ساختارهای ادبی را پیوند می‌دهد به ساختارهای اجتماعی» (پوینده، ۱۳۷۸، ص. ۱۰۰).

گلدمن در نظریه خود به صراحت تمام، فاعل آفرینش های فرهنگی و هنری را نه یک فرد، بلکه جهان بینی یک جمع می‌داند که سرانجام به دست یک فرد با انسجام و شکل هنری ویژه‌ای عرضه می‌شود. او در مقابل این سؤال که آفریننده واقعی اثر هنری چه کسی است، مسئله طبقات اجتماعی و ساختارهای اجتماعی را مطرح می‌کند و نویسنده را نماینده همان طبقه اجتماعی می‌داند که از آن برخاسته است یا به هر دلیل به آن طبقه گرایش دارد.

در طول مدت زمان کوتاهی که از عمر نقد جامعه‌شناختی می‌گذرد، نظریه پردازان مختلفی در این حوزه فعالیت نموده و تعاریف متعددی ارائه داده‌اند که از بین آنها می‌توان به تعریف کلود دوشه اشاره نمود. او در سال ۱۹۷۱ نظریاتش را در قالب مقاله‌ای در شماره ۱ نشریه ادبیات که خود سردبیر آن بود منتشر ساخت و در واقع نوعی جامعه‌شناسی متن را شکل بخشید. این دیدگاه نگرشی کاملاً نو در حوزه جامعه‌شناسی ادبیات ایجاد کرد. گرچه به اعتقاد دوشه نقد جامعه‌شناختی مرهون تلاش های لوکاچ و گلدمن است (دوشه، ۱۹۷۹، ص. ۵) ولی در مجموع مطالعات او در این حوزه و ابداع واژه نقد جامعه‌شناختی^۲، عنوان پدر و بنیان گذار نقد جامعه‌شناختی را برای خود او به ارمغان آورد. در این روش منتقد از محتوای ظاهری اثر عبور می‌کند و به بررسی ساختارهایی در لایه‌های پنهان اثر می‌پردازد که در تولید معنا و چارچوب آن نقش دارند.

نقد جامعه‌شناختی به ما این امکان را می‌دهد تا تمامی ابعاد اجتماعی نهفته در گفتمان های زبانی متن را آشکار کنیم. «بُعد اجتماعی»^۳ از نظر دوشه این گونه تعریف می‌شود: همه آن چیزهایی در رمان که باز نمود یک جامعه مرجع و یک عمل اجتماعی در خارج از رمان را نشان می‌دهد و به موجب آن، اثر، خود را وابسته به واقعیتی اجتماعی-تاریخی ماقبل و خارج از خود می‌داند. (دوشه، ۱۹۷۳، ص. ۴۴۹).

¹ Histoire et Conscience de classe

² Sociocritique

³ Socialité

براساس رویکرد نقد جامعه‌شناختی، بُعد اجتماعی یک متن ادبی همواره توأم با بُعد ادبی آن است. این برابری بین امر اجتماعی و ادبی، اثر ادبی را به ساختاری مستقل تبدیل می‌کند که در آن واقعیت و داستان همزیستی دارند و بنابراین «بُعد اجتماعی متون ادبی را می‌توان در سازمان درونی آن‌ها درک کرد» (دوشه، ۱۹۷۹، ص. ۳۱۴).

در این روش، منتقد مطالعاتش را روی خود متن متمرکز می‌کند ولی عوامل و عناصر اجتماعی را از ورای متن جستجو می‌کند. مارک آنژنو^۱ در تعریف این نوع نقد می‌گوید: «نقد جامعه‌شناختی مربوط است به هرآنچه که در جامعه گفته می‌شود و نوشته می‌شود و هرآنچه که به چاپ می‌رسد» (آنژنو، ۱۹۸۹، ص. ۱).

با طرح این دیدگاه‌ها، در تحلیل رمان سوءقصد، بنا داریم روش خود را براساس آرای کلود دوشه که به تحلیل جامعه‌شناختی متن می‌پردازد قرار دهیم. از آنجایی که براساس نظریه دوشه برای تحلیل جامعه‌شناختی باید متن اثر مورد تحلیل قرارگیرد، پس ما نیز برای خوانش جامعه‌شناختی سوءقصد، متن آن را مورد تحلیل قرار می‌دهیم، به گونه‌ای که هرکلمه، هراصطلاح و هرگفتاری هدف بررسی است. از سوی دیگر، برای دستیابی به بُعد اجتماعی متن، بایستی هم به درون متن توجه کنیم و هم به بیرون آن، زیرا هدف مطالعه ما دستیابی به مطالعه جامعه‌جویی سوءقصد است. در این خصوص دوشه می‌گوید: «نقد جامعه‌شناختی همواره در پی آنست که خود را از حصار و محدودیت دور نگه‌دارد و با جستجوی جامعه به دنبال همه آن مطالبی است که در متن موجودند و همه تلاش خود را به کار می‌گیرند تا از آن خارج شوند» (دوشه، ۲۰۰۵، ص. ۱۲۵).

۲. پیشینه پژوهش

در این جا لازم است به این مطلب اشاره کنیم که نقد و پژوهش در زمینه نقد جامعه‌شناختی، توجه بسیاری از پژوهشگران را به خود جلب نموده‌است اما با توجه به این که کلود دوشه نزد بسیاری از پژوهشگران کمتر شناخته شده‌است مطالعات کمتری به بررسی نظریه وی اختصاص یافته‌است. در سال‌های اخیر مقالات مختلفی در زمینه تحلیل یک اثر براساس نقد جامعه‌شناختی کلود دوشه به نگارش درآمده که از آن جمله می‌توان به «خوانش جامعه‌شناختی مرگ قسطی

^۱ Marc Angenot

لویی فردینان سلین» به کوشش محمدرضا فارسیان و «بررسی مقایسه‌ای دو اثر کرگدن نوشته اوژن یونسکو و کوری نوشته ژوزه ساراماگو» به کوشش مهدی حیدری و «ستاره در حال مرگ؛ خوانش تاریخی اجتماعی رمان ثریا در کما» نوشته فرزانه کریمیان همچنین «پدیده اجتماعی آنومی و پژواک آن در رمان مرگ قسطی نوشته سلین» به کوشش محمدحسین جواری اشاره نمود. اخیراً نیز نقد تاریخی اجتماعی متن ادبی بر پایه نظریه کلود دوشه (مورد مطالعه رمان به امید دیدار در آن دنیا اثر پی‌یر لومتر) به کوشش محمدجواد کمالی به چاپ رسیده است.

۳. بحث و بررسی

رویکرد اجتماعی انتقادی کلود دوشه اساساً ابزاری برای «بررسی شیوه‌های رمان‌نویسی در ارتباط با فضای اجتماعی است که آن را خلق می‌کنند» (دوشه، ۱۹۷۳، ص. ۴۴۸). دوشه این فضای اجتماعی را «جامعه رمان» می‌نامد که در درون متن و از طریق عناصر ادبی ساخته می‌شود (دوشه، ۱۹۷۳، ص. ۴۴۸).

از نظر دوشه، متن مبنای اساسی تحلیل جامعه‌شناختی ادبی است. او در رویکرد خود، متن را از درون می‌گشاید و «امر ضمنی، پیش‌فرض‌ها، ناگفته‌ها، سکوت‌ها را کندوکاو می‌کند و فرضیه ناخودآگاه اجتماعی متن را صورت‌بندی می‌کند» (دوشه، ۱۹۷۳، ص. ۴۴۹). نظریه دوشه عمدتاً بر مفاهیمی مانند «جامعه متن یا رمان»، «جامعه مرجع»، «جامعه تاریخی»، «گفتمان اجتماعی» و «جامعه‌نگار» استوار است. در میان مقولات مفهومی دوشه، یک رابطه اجتناب‌ناپذیر وجود دارد: جامعه متن بازتاب یک جامعه کل بزرگتر یعنی جامعه مرجع است که آن نیز به‌نوبه خود به جامعه تاریخی یا خارج از متن اشاره دارد. شناخت این دو جامعه، گفتمان‌های اجتماعی را آشکار می‌کند؛ گفتمان‌های اجتماعی به یک گفتمان واحد ختم می‌شوند که دوشه آن را جامعه‌نگار نامیده است.

جامعه متن، جامعه مرجع، گفتمان اجتماعی و جامعه‌نگار

جامعه متن یا رمان، جهان تخیلی نویسنده است که امکان بازنمایی جامعه واقعی را فراهم می‌کند. جامعه متن، قوانین، اعمال، ارزش‌ها، ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی در جهان واقعی نویسنده را در برمی‌گیرد. بدین ترتیب، ارائه تصویری واقع‌گرایانه از جامعه، عموماً خاص متون واقع‌گرایانه است که توانایی بازسازی صریح واقعیت را با حفظ امانت دارند. طبق آرای

دوشه، «وجود جامعه رمان در همه متونی که از قوانین حقیقت‌نمایی پیروی می‌کنند قابل فرض است» (دوشه، ۱۹۷۳، ص. ۴۵۰).

به گفته دوشه، جامعه رمان در متن وجود ندارد بلکه تنها تصویری از یک نظام اجتماعی است که الهام‌بخش وقایع رمان است. بدین ترتیب، محتوای رمان واقع‌گرایانه^۱ ارتباطی با نامی که بر آن گذاشته شده ندارد (دوشه، ۱۹۷۹، ص. ۴). به همین دلیل است که در یک رویکرد جامعه‌شناختی «بحث بر سر انتخاب استانداردها و برچسب‌ها نیست بلکه بررسی شیوه‌های رمان‌نویسی در ارتباط با خلق فضای اجتماعی است که آن را جامعه رمان خواهیم نامید» (دوشه، ۱۹۷۳، ص. ۴۴۸).

جامعه مرجع همان جامعه واقعی خارج از متن ادبی است که نویسنده با الهام از حوادث و واقعیات اجتماعی آن، جامعه متن را می‌آفریند و کاملاً به تجربه شخصی نویسنده متکی است؛ در واقع جامعه متن مانند آینه‌ای وقایع اجتماعی جامعه مرجع را منعکس می‌کند و گفتمان‌های اجتماعی را با موضوعات متنوع ترسیم می‌نماید. جامعه متن «بازتابی از یک واقعیت از قبل تثبیت‌شده، نشانه‌ها و مدل‌های اجتماعی-فرهنگی، مطالبات اجتماعی و روش‌های بنیادین می‌باشد» که به آن جامعه مرجع می‌گویند (دوشه، ۱۹۷۹، ص. ۴).

گفتمان اجتماعی اغلب با جامعه رمان مرتبط است و اثر ادبی برای بازتولید عناصر جامعه واقعی، گفتمان‌های مربوط به مشکلات جامعه و واقعیت‌های جوامع انسانی را در جامعه متن بازتولید می‌کند. این گفتارها که مضامین متعددی را دربرمی‌گیرد، بیانگر بُعد اجتماعی متن هستند. در نقد جامعه‌شناختی دوشه، گفتمان اجتماعی بیش از هر چیز «ضمیر مرجع اتفاقات داستان و تمام آن شواهدی است که قبل از پدید آوردن اثر ادبی، در رمان وجود داشته و با آشکار ساختن آن» بیان شده است (دوشه، ۱۹۷۳، ص. ۴۵۳).

از نظر رژین روبن، جامعه‌نگار در نقد جامعه‌شناختی دوشه عبارتست از:

مجموعه‌ای از بازنمایی‌ها که پیرامون هسته مرکزی شکل می‌گیرد و آن هسته در شناسایی گزاره متضادش شناخته می‌شود و می‌تواند به اشکال مختلف ارائه شود: کلیشه، ضرب‌المثل، مجموعه

^۱ réaliste

واژگانی جامعه‌شناسی، کلیشه فرهنگی، شعار، بیانیه نمادین، شخصیت نمادین، مفهوم انتزاعی، هدف یا تصویر (روبن، ۱۹۹۳، ص. ۱۴).

جامعه‌نگار عامل اصلی بررسی یک اثر در حوزه نقد جامعه‌شناختی است. این مفهوم حتی گفتمان‌های اجتماعی موجود در اثر را شکل می‌بخشد و به‌نوعی نیروی محرکه متن است. براساس تعریف کلود دوشه، جامعه‌نگار عبارت است از «مجموعه‌ای ناپایدار، مبهم و متناقض از بازنمودهایی جزئی که حول یک درون‌مایه قرار دارند و هریک بر روی دیگری تأثیر متقابل می‌گذارند و برای شناخت آن باید متضادش را مطالعه کرد» (ادموند کرو، ۲۰۰۳، ص. ۴۰).

جامعه متن در رمان سوءقصد

یاسمینا خضراء رمان نویس شهیر الجزایری که در بخش قابل توجهی از آثارش به مسئله جنگ در خاورمیانه پرداخته این بار در رمان سوءقصد به موضوع درگیری بین فلسطینیان و اسرائیل پرداخته است. کتاب پس از انتشار علاوه بر کسب جوایز متعدد، نظر خوانندگان، نویسندگان و منتقدان زیادی را به خود جلب نمود. زیاد دوئیری^۱ کارگردان لبنانی در سال ۲۰۱۳ فیلمی از این اثر ساخته که مورد توجه قرار گرفت. همچنین، مجموعه مصور^۲ آن در سال ۲۰۱۲ و کتاب صوتی آن در همان سال با صدای هانری توماس روانه بازار شد. سوءقصد که بیانگر سوءتفاهم موجود بین غرب و شرق در مورد تعریف تروریسم است، مصاحبه‌ها و چالش‌های فراوانی را برای یاسمینا خضراء به ارمغان آورد که باعث شهرت بیشتر او شد.

نویسنده رمان سوءقصد با ظرافت تمام، شخصیت‌ها و وقایع داستان را منطبق بر اوضاع و احوال تاریخی اجتماعی مناطق فلسطینی ترسیم می‌کند. سوءقصد روایت گر ترور و خونریزی، درگیری بین نظامیان و مردم عادی، فقر و بیکاری در دنیای واقعی و در جنگی نابرابر است.

رمان شامل ۱۶ فصل است، ولی فصل اول که بصورت تک‌گویی و توسط راوی داستان ادا می‌شود بدون شماره است و درواقع جزئی از فصل آخر به شمار می‌رود. ۱۵ فصل دیگر زندگی دکتر امین جعفری قهرمان داستان است که می‌توان آن را به دو بخش تقسیم کرد: قبل و بعد از انفجار مربوط به عملیات انتحاری. حوادث قبل از انفجار مدت زمان کوتاهی از رمان را در بر

¹ Ziad Doueiri

² Bande dessinée

می‌گیرد و شامل مقطع کوتاهی از زندگی قهرمان داستان به نام دکتر امین جعفری و همسرش سیهم است که بیشتر توصیفات آن بعد از حادثه توسط راوی یادآوری می‌شود.

داستان رمان در تل‌آویو، دومین شهر بزرگ اسرائیل، آغاز می‌شود؛ شهری خوش آب و هوا و مدرن در کنار دریای مدیترانه. خضراء عامدانه برای شروع داستان تل‌آویو را انتخاب نموده تا همزیستی مسالمت‌آمیز یهودیان را در کنار فلسطینیان نشان دهد. حوادث رمان حوالی سال ۲۰۰۰ و در زمان انتفاضه دوم اتفاق می‌افتد یعنی زمانی که عملیات‌های انتحاری از سوی فلسطینیان از سر گرفته شده‌است. این نوع عملیات سال‌هاست که از سوی فلسطینیان به‌عنوان ابزاری برای دفاع از سرزمینشان مورد استفاده قرار می‌گیرد و خضراء آن را نقطه شروع داستان قرار داده‌است.

دکتر امین جعفری جراح خوش‌نام و برجسته فلسطینی که چند سالی است زندگی عاشقانه خود را با همسرش سیهم شروع کرده در بیمارستان بزرگ تل‌آویو مشغول مداوای بیماران است که صدای انفجار مهیبی همه جا را می‌لرزاند و کمی بعد سیل اعزام مجروحان عملیات انتحاری به بیمارستان شروع می‌شود. علت حادثه به‌خوبی مشخص است؛ انفجار در یک رستوران یهودی و در زمان برگزاری یک جشن که تعدادی کودک هم در آن حضور داشته‌اند صورت گرفته و افراد زیادی کشته و زخمی شده‌اند. در انتهای روز، دکتر جعفری خسته از رسیدگی به مجروحان، راهی منزل می‌شود. نیمه‌های شب با تماس دوستش نوید که افسر پلیس است به بیمارستان برمی‌گردد و با جسد متلاشی شده سیهم روبرو می‌شود. شوک حاصله موقعی دوچندان می‌شود که رئیس پلیس، کاپیتان موشه به او اعلام می‌کند که عامل انتحاری سیهم همسر اوست.

اخراج از بیمارستان از یک‌سو و حمله جوانان اسرائیلی به دکتر جعفری و ضرب و شتم او در باغچه منزلش، نشان‌دهنده واکنش مستقیم و تند جامعه نسبت به عاملین عملیات انتحاری است.

مشتی تف به صورتم پرتاب می‌شود. دستی یقه حوله حمام را می‌کشد... «حرامزاده قصری را که اشغال کرده‌ای ببین.. از همه طرف به من چنگ می‌زنند قبل از این که مثل هیزم روی آتش بیندازیدش اول ضدعفونی‌اش کنید...» یکی از آن‌ها لگدی به شکم می‌زند و دیگری مرا سرپا نگه می‌دارد. دماغم متلاشی می‌شود، سپس لب‌هایم. بازوانم توان محافظت از من را ندارند. بارانی از مشت و لگد بر سرم می‌بارد و زمین زیر سرم فرو می‌ریزد (خضراء، ۲۰۰۵، ص. ۶۳).

سفر امین جعفری به سمت بیت اللحم که به قصد پی بردن به انگیزه همسرش سیهم و همچنین دیدار با خانواده اش که مدت هاست از آن ها خبر ندارد صورت می گیرد، واقعیات زندگی فلسطینیان را به خوبی به تصویر می کشد. دکتر جعفری که باید برای رفتن به زادگاهش از بیت اللحم بگذرد به محض خروج از منطقه تحت نفوذ اسرائیل و ورود به مناطق فلسطینی، تفاوت چشمگیری را بین زندگی مردم این ناحیه حس می کند؛ فقر و بدبختی در بین مردم موج می زند. فضای شهری بیت اللحم با تل آویو به طرز چشمگیری متفاوت ترسیم شده. تل آویو با آن ساحل طولانی در کنار دریای زیبای مدیترانه و ساختمان های مدرن و برج های سر به فلک کشیده در مقایسه با شهر مخروبه بیت اللحم، امین جعفری را متوجه غفلت او نه تنها از خانواده اش، بلکه از سرزمین آباء و اجدادی اش می کند. راوی داستان، خواننده را به جهنمی از خون و آتش در بطن مبارزات فلسطینیان و اسرائیل می برد؛ جنین جزیره ای دور افتاده از جهان هستی است.

ورود به جنین، نقطه عطف سفر دکتر جعفری است؛

جنین شهری است بدون لبخند، شهری با دندان های شکسته، که مدام هر پروتزی را که لبخندی بر لبانش بیاورد رد می کند. به هر حال، دیگر هیچکس آن جا نمی خندد. خوش خلقی گذشته از زمانی که کفن ها و پرچم ها به اهتزاز در آمده اند از آن جا رخت بر بسته است (خضراء، ۲۰۰۵، ص. ۱۹۵).

در بدو ورود به جنین، جمیل، پسرعموی امین، که متوجه شگفت زدگی او از اوضاع مناطق فلسطینی شده شهر را این گونه توصیف می کند:

جهنم در مقایسه با آنچه که این جا می گذرد بهشت است. در هر گذرگاه ایست بازرسی؛ جاده های پر از خودروهای سوخته که توسط هواپیماهای بدون سرنشین منفجر شده اند. دسته های مردم نفرین شده منتظر نوبت خود برای بازرسی و ضرب و شتم و احیاناً هل دادن به عقب هستند. سربازان نابالغی که بی ملاحظه همه را کتک می زنند؛ زنانی که در مقابل ضربات قنداق تفنگ تنها با دستانی بی رمق از خود دفاع می کنند... (خضراء، ۲۰۰۵، ص. ۱۹۵).

سوء قصد برداشت متفاوتی از منازعات بین فلسطینیان و اسرائیل را نشان می دهد. قهرمان داستان در سفر خود به مناطق فلسطینی واقعیت تلخی را تجربه می کند که اتفاقات آن هر روز در

حال تکرار است. روایتی متفاوت از حوادثی واقعی و مکرر در دنیایی که نسبت به بی عدالتی‌های پیرامونش سکوت کرده است.

امین جعفری که برای یافتن علت اقدام همسرش به این سفر رفته، پاسخ خود را در بین قبیله‌اش و وضعیت اسفبار مناطق فلسطینی می‌یابد. او در نهایت در یک عملیات بمب‌گذاری که این بار از سوی نیروهای اسرائیلی برنامه‌ریزی شده جان خود را از دست می‌دهد.

نویسنده در خلق این اثر گروه‌های اجتماعی مختلفی را وارد داستان کرده‌است: پزشک، پرستار، پلیس و نیروهای سازمان اطلاعاتی در سطوح مختلف؛ خضراء در سوءقصد از بازماندگان هولوکاست نیز سخن می‌گوید؛ او همچنین با ظرافت تمام زندگی فلسطینیان ساکن کرانه باختری و اردوگاه‌های جنین را به تصویر می‌کشد؛ از مبارزه کودکان و نوجوانان با دستان خالی تا گروه‌های مبارز مخفی و عاملان انتحاری، راوی از سادگی مردمان بادیه از پدر بزرگ دهقان و پدرش که دوست داشت نقاش شود سخن می‌گوید. دنیای خضراء سرشار از احساسات و عشق به انسانیت است.

جامعه مرجع در رمان سوءقصد

وقتی از جامعه مرجع صحبت به میان می‌آوریم در واقع به دنبال جامعه‌کاوی^۱ اثر هستیم مفهومی که دوشه آن را «حضور در جهان اثر ادبی» می‌داند (دوشه، ۱۹۷۴، ص. ۴). از نظر دوشه، تمام «واقعیت‌هایی» که در رمان خلق می‌شوند، «اعم از کلمات، حرکات، اشیاء، مکان‌ها، رویدادها، شخصیت‌ها» یک مرجع «در واقعیت فرازبانی» دارند (دوشه، ۱۹۷۳، ص. ۴۵۰). از این رو، برای درک بهتر جامعه متن در رمان سوءقصد بهتر است به دنبال نشانه‌هایی باشیم که ما را در کشف جهان واقعی یا همان جامعه مرجع یاری می‌کنند.

همان‌گونه که می‌بینیم، جامعه مرجع در رمان سوءقصد، جامعه فلسطین تحت اشغال اسرائیل است؛ بدین منظور، بهتر است کمی به زمان و نحوه پیدایش کشور اسرائیل بپردازیم. جنگ بین فلسطینیان و اسرائیل که از آن به عنوان طولانی‌ترین درگیری تاریخ یاد می‌شود در سال ۱۹۴۸ پس از به رسمیت شناختن اسرائیل توسط سازمان ملل آغاز شد. پس از چند ماه جنگ، آتش‌بسی در سال ۱۹۴۹ شکل گرفت و مرزهای اولیه‌ای موسوم به خط سبز تعیین شد.

^۱ La socialité

طبق این طرح قرار شد که این منطقه بین اعراب و یهودیان به طور مساوی تقسیم شود و بیت المقدس (اورشلیم) نیز محدوده تحت نظارت سازمان ملل قرارگیرد تا از ایجاد برخورد جلوگیری شود ولی با عقب نشینی اعراب، اسرائیل توانست ۲۶٪ دیگر از منطقه غرب رودخانه اردن را تصرف کند. اردن نیز بخش هایی را در اختیار گرفت که بعداً کرانه باختری نامیده شد. مصر نیز کنترل ناحیه باریکی از ساحل مدیترانه به نام غزه را در اختیار گرفت. دولت اسرائیل پس از پیروزی در این جنگ، علی رغم هشدارهای سازمان ملل، از اراضی اشغال شده عقب نشینی نکرد و در حال حاضر بیش از ۸۵٪ اراضی سرزمین فلسطین را تحت اشغال خود دارد و فلسطینیان تنها در ۱۵٪ باقی مانده که عمدتاً محدود به کرانه باختری رود اردن و نوار غزه هست زندگی می کنند.

پیدایش کشور اسرائیل یکی از مهمترین رویدادهای اواسط قرن بیستم است که تأثیر فراوانی هم در جهان و هم بر جغرافیای خاورمیانه گذاشته است. از ابتدای درگیری تا کنون حدود ۶۰۰ تا ۹۰۰ هزار نفر فلسطینی از سرزمین خود رانده شده و در اردوگاه هایی در کشورهای همسایه مانند مصر و اردن و جنوب لبنان اسکان داده شده اند. فرسایشی شدن جنگ و عقب نشینی تدریجی دولت های عربی حامی فلسطین از یک سو و سیاست توسعه طلبی ارضی اسرائیل از سوی دیگر فضای زندگی برای فلسطینیان را تنگ تر کرده است. در حال حاضر، فلسطینیان سخت ترین دوره گذر تاریخی خود را پشت سر می گذارند؛ والدینی سوگوار، مرگ هرروزه جوانان، کودکانی بی دفاع و بدون هیچگونه امکانات آموزشی، افزایش بیکاری، شهرهایی فقیر و بدون حداقل امکانات زندگی مانند آب آشامیدنی، به جامعه رنگ و بوی افسردگی داده ولی در عین حال، حس و حال مبارزه برای بازپس گیری کشورشان را در آنها زنده کرده است.

شهر جنین که امروزه با نام اردوگاه جنین از آن نام برده می شود و در کرانه باختری واقع شده است، در واقع پناهگاه آوارگان فلسطینی است که از شروع جنگ با اسرائیل از زندگی خود بیرون رانده شده و در اردوگاه های سازمان ملل در این ناحیه اسکان داده شده اند. این منطقه همان طور که توسط یاسمینا خضراء به تصویر کشیده شده، در خلال سال ۲۰۰۴ صحنه یکی از شدیدترین درگیری های مسلحانه ای بوده که در طول انتفاضه دوم روی داده است. از زمان شروع جنگ، جنین تحت کنترل مستقیم ارتش اسرائیل قرار گرفته و ساکنین آن علاوه بر تخریب اکثر

خانه‌هایشان مجبور به تحمل حکومت نظامی‌های طولانی مدت بوده‌اند. دولت اسرائیل برخلاف پیمان‌های بین‌المللی همچنان به شهرک‌سازی در کرانه باختری ادامه می‌دهد و دست فلسطینیان را از اراضی کشاورزی خود کوتاه کرده‌است. به دلیل مانع‌تراشی اسرائیل از بهره‌برداری از زمین‌های کشاورزی و قابل‌استفاده، مردم این منطقه از امکانات خود محروم بوده و قادر به تأمین نیازهای غذایی خود نیستند.

اینک، یاسمینا خضراء بعد از گذشت بیش از هفت دهه از زمان تشکیل دولت اسرائیل رمانی نوشته که به خوبی شرایط زندگی مردم فلسطین را تداعی می‌کند. او مخاطب خود را وامی‌دارد از زاویه دیگری به مسئله فلسطین نگاه کند. نویسنده زوج فلسطینی را ترسیم می‌کند که تا زمانی که در چارچوب قوانین جامعه یهودی رفتار می‌کنند از همه امکانات رفاهی برخوردارند؛ در ویلایی مجلل زندگی می‌کنند، بهترین هدایا را از دوستان یهودی خود دریافت می‌کنند، به سفرهای اروپایی می‌روند ولی همین که سهم اقدام به عملیات انتحاری می‌کند، همسرش به طور کلی توسط مردم طرد می‌شود و از کلیه حقوق اجتماعی‌اش محروم می‌شود. نکته‌ای که نویسنده تلاش در به تصویر کشیدن آن دارد این است که همه جا در رسانه‌ها و روزنامه‌های اسرائیلی و یا غربی از عاملان عملیات انتحاری به عنوان تروریست یاد می‌شود؛ حتی خود امین جعفری با تعجب می‌پرسد: «چگونه امکان دارد زنی زیبا، باهوش و مدرن که عاشقانه همسرش را دوست دارد و مورد توجه و تحسین اطرافیان است بتواند یک شبه خودش را وسط یک مهمانی که تعدادی کودک در آن شرکت دارند منفجر کند؟» (خضراء، ۲۰۰۵، ص. ۵۳). خضراء مخاطب را همراه قهرمان داستان برای پاسخ به این سؤال به سرزمین‌های اشغالی می‌برد و در آن‌جا ملتی آواره و سرکوب‌شده را نشان می‌دهد که از سرزمین مادری خود رانده شده و از کمترین امکانات زندگی برخوردار نیستند. پیام خضراء به مخاطب خود این است که هیچکس تروریست به دنیا نمی‌آید بلکه تحت تأثیر شرایط اجتماع به تروریست مبدل می‌شود.

کلود دوشه پیشنهاد می‌کند که جامعه مرجع باید به خوبی شناخته شود. به عنوان مثال، وقتی خضراء این‌گونه روایت می‌کند: «هفته پیش انگار آخرالزمان بود... در چنین تانک‌ها به سوی بچه‌هایی که سنگ پرتاب می‌کردند شلیک می‌کردند. جالوت داوود را در هر گوشه‌ای لگدمال می‌کرد» (خضراء، ۲۰۰۵، ص. ۱۹۵). اشاره به یک نزاع تاریخی و واقعی دارد که در آن طرف

قوی‌تر و ظالم‌تر طرف مقابل را از پای درمی‌آورد و اگر چیزی راجع به این واقعه ندانیم درک کامل رمان امکان‌پذیر نخواهد بود.

نویسنده با یادآوری مکان‌های واقعی رنگ و بوی واقعیت به رمان خود می‌دهد. در واقع، «نقد جامعه‌شناختی با مراجعه به واقعیت‌های بیرونی و پنهان در متن در پی خوانشی قابل فهم از رمان است» (آموسی، ۲۰۰۵، ص. ۱۲۶). در رمان *سوءقصدها* به نام خیابان‌ها و مناطقی مانند خیابان ژیرول و حسم‌النعم و همین‌طور، منطقه حقریه برخورد می‌کنیم که همگی مکان‌هایی واقعی در تل‌آویو هستند. همچنین، خضرآء از بیمارستان ایشیلوو که محل کار امین جعفری است و یک مرکز پزشکی تخصصی در تل‌آویو است صحبت می‌کند. در رمان از دیوار نیز بارها نام برده شده که در متن اصلی با حرف بزرگ نوشته شده و اشاره به دیوار حائل دارد که توسط اسرائیل به طول حدود هفتصد کیلومتر در طول مسیر خط سبز ساخته شد و حدود ۹۹ درصد آن نه در مرز دو کشور بلکه در کرانه باختری بنا شده و ساخت آن یکی از دلایل تشدید درگیری‌ها بین فلسطینیان و اسرائیل است.

علاوه بر مکان‌ها، خضرآء به برخی زمان‌ها و اشخاص و وقایع نیز اشاره دارد؛ به‌عنوان مثال ۹ نوامبر ۱۹۳۸ و واقعه کریستالناخت^۱ یا شب بلورین که در آن شیشه‌خانه‌ها، مغازه‌ها و کنیسه‌های یهودیان در آلمان و اتریش شکسته شد و یا ۱ سپتامبر ۱۹۴۱ و قضیه ستاره زرد که یهودی‌ها موظف شدند با مشخص نمودن لباس‌های خود با نشان ستاره زرد رنگ یهودی بودن خود را در ملاءعام نشان دهند. نویسنده در ادامه از شخصیت‌های سیاسی مانند شارون نیز نام می‌برد؛ آریل شارون نخست‌وزیر اسرائیل طی سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۰۶ بود که ورود نظامی‌اش به مسجدالاقصی باعث به‌وجود آمدن انتفاضه دوم شد. خضرآء از انتفاضه هم صحبت می‌کند و توضیح می‌دهد که دختران فلسطینی از روزی که شاهزادگان جوان انتفاضه را به آنان ترجیح می‌دهند دیگر رویا نمی‌بینند.

در نهایت، خضرآء وقتی از تخریب خانه‌های فلسطینیان توسط جرثقیل‌ها صحبت می‌کند گریزی هم به نام شرکت کاترپیلار که یک شرکت آمریکایی و بزرگترین سازنده ماشین‌آلات

^۱ Kristallnacht

عمرانی جهان است می‌زند و شاید کنایه‌ای به تنها ماندن فلسطینیان در مقابل متحد بودن قدرت‌های بزرگ در کنار اسرائیل باشد.

گفتمان‌های اجتماعی

برای ورود به دنیای اجتماعی متن، در مرحله نخست، باید از گفتمان‌های اجتماعی سخن بگوییم که در درون متن تنیده‌اند. مارک آنژنو، نظریه‌پرداز اجتماعی معتقد است بین گفتمان اجتماعی و شرایط اجتماعی پیوندی ناگسستنی قرار دارد. او نظریه گفتمان اجتماعی را در سال ۱۹۸۹ در اولین اثر خود به نام *حالتی از گفتمان اجتماعی*^۱ مطرح کرد. از دیدگاه آنژنو، گفتمان اجتماعی مجموعه‌ای از گفتمان‌هاست که «به صورت ترکیبی منسجم تحول می‌یابد» (آنژنو و کرو، ۱۹۹۲، ص. ۲۲). ما نیز برای دستیابی به این منظور، به بررسی گفتمان‌های اجتماعی موجود در متن *سوء قصد* می‌پردازیم. گفتمان‌هایی که مهمترین آن‌ها عبارتند از: نفرت و تحقیر.

گفتمان نفرت

نفرت یکی از گفتمان‌هایی است که در تمام طول اثر به چشم می‌خورد. این نفرت که عمدتاً نتیجه درگیری‌های طولانی مدت و خونین بین فلسطینیان و نظامیان اسرائیلی است از همان ابتدای رمان که صدای انفجار به گوش می‌رسد و هم‌زمان با سیل ورود زخمی‌ها به بیمارستان آغاز می‌شود. یکی از مجروحان حادثه به محض شنیدن نام دکتر امین با نفرت می‌گوید: «نمی‌خواهم یک عرب به من دست بزند» (خضراء، ۲۰۰۵، ص. ۲۱) این درحالی است که بیمار در اثر انفجار آسیب جدی دیده و زمانی که دکتر جعفری بی‌اعتنا به توهین بیمار و به واسطه اخلاق حرفه‌ای به پرستار می‌گوید که «محکم نگاهش دار می‌خواهم معاینه‌اش کنم» (خضراء، ۲۰۰۵، ص. ۲۱)، با واکنش تندتر مجروح مواجه می‌شود «اجازه نمی‌دهم به من دست بزنی» (خضراء، ۲۰۰۵، ص. ۲۱) و در نهایت آخرین تقلای مجروح برای اجتناب از جراحی شدن توسط راوی این‌گونه توصیف می‌شود: «به صورتم تف می‌کند... خون زیادی از دست داده. باید فوراً جراحی شود» (خضراء، ۲۰۰۵، ص. ۲۱).

^۱ Un état du discours social

این نفرت بار دیگر در صحنه‌ای که دکتر جعفری پس از خاکسپاری همسرش به خانه می‌رود به‌خوبی ترسیم می‌شود؛ توسط چند نفر محاصره می‌شود و به شدت مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرد و با الفاظ زشتی مانند «تروریست کثیف، کثافت، خائن عرب» (خضراء، ۲۰۰۵، ص. ۶۳) مورد خطاب قرار می‌گیرد. نکته قابل توجه این که امین جعفری که این‌گونه مورد هجمه اطرافیان خود قرار می‌گیرد پزشک متعهد و خوش‌نامی است که همواره به بیماران خود خدمت کرده و دین و ملیت بیمارانش نقشی در مداوای آن‌ها نداشته است.

گفتمان تحقیر

تحقیر یکی دیگر از گفتمان‌های غالب سوء قصد است. شاید بتوان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که نفرت و تحقیر دو گفتمان به‌هم‌تنیده در سوء قصد هستند و نفرت است که زمینه‌ساز بروز این تحقیر شده است. برای مثال، در روز وقوع انفجار، دکتر جعفری در راه بازگشت به خانه با ایست بازرسی روبه‌رو می‌شود. این برخورد زمانی صورت می‌گیرد که یکی از پلیس‌ها به ظاهر او شک می‌کند «چراغ قوه‌اش را به من می‌تاباند، با چشمی ترسناک و محتاط به من خیره می‌شود» (خضراء، ۲۰۰۵، ص. ۲۵). این برخورد زمانی شدت می‌گیرد که پلیس دیگری با بررسی کارت شناسایی او متوجه عرب بودنش می‌شود «با دیدن نام عربی من چهره‌اش درهم می‌رود» (خضراء، ۲۰۰۵، ص. ۲۶) و همین باعث می‌شود مورد تفتیش بیشتر قرار بگیرد «به طرز وحشیانه‌ای مرا به سقف وسیله نقلیه‌ام می‌کوبد، پاهایم را با پایش باز می‌کند و تفتیشم می‌کند» (خضراء، ۲۰۰۵، ص. ۲۶). البته، این‌طور به نظر می‌رسد که این نوع برخوردها به یک امر عادی مبدل شده «همیشه بعد از عملیات انتحاری همین‌طور است. پلیس‌ها روی اعصاب هستند» (خضراء، ۲۰۰۵، ص. ۲۶).

پس از مشخص شدن سبب به‌عنوان عامل انتحاری، دکتر جعفری مورد بازجویی شدیدی از سوی سازمان اطلاعاتی اسرائیل قرار می‌گیرد.

بیست و چهار ساعت متوالی بیدار نگه می‌دارند؛ بازجویی در نوعی سوراخ موش با سقفی کوتاه و دیوارهای نامرغوب، با یک لامپ محافظ بالای سرم که صدای تقه‌های مداوم آن مرا دیوانه می‌کند انجام می‌گیرد... گرسنه‌ام، تشنه‌ام، احساس درد دارم... مجبور شدند زیر بغلم را بگیرند تا بتوانم ادرار کنم. قبل از این که بتوانم زیم را باز کنم، نیمی از مئانه‌ام را داخل لباس

زیرم خالی کردم. با حالت تهوع، نزدیک بود صورتم روی لگن بشکند. برای بازگرداندنم به قفس کاملاً مرا روی زمین کشاندند. بعد دوباره آزار و اذیت... (خضراء، ۲۰۰۵، ص. ۴۴).

این تحقیر نه تنها از سوی نیروهای پلیس و اطلاعاتی، بلکه حتی توسط مردم عادی و همسایگان هم اعمال می‌شود «یک نفر یک پوستر روی دروازهٔ خانه‌ام چسبانده...: جانور کثیف در بین ماست» (خضراء، ۲۰۰۵، ص. ۵۹).

جامعه‌نگار در رمان سوء قصد

همان‌گونه که گفتیم، جامعه‌نگار موضوع اصلی رمان را تشکیل می‌دهد؛ اینک، با توجه به این‌که هر متن ادبی چندین مضمون و تنها یک جامعه‌نگار دارد که از تلاقی این مضامین حاصل می‌شود، برای یافتن جامعه‌نگار باید ابتدا مضامین را شناسایی و سپس ریشهٔ آن‌ها را جستجو نمود. از سویی همه موضوعات و گفتمان‌های پرداخته شده در این اثر به رویداد تروریسم ختم می‌شود؛ زیرا انفجار بمب در رستوران است که مانند نیروی محرکه حوادث داستان را یکی پس از دیگری شکل می‌دهد و به جلو می‌راند.

در طول رمان، خضراء نظرات خود را در مورد تروریسم از طریق شخصیت‌ها بیان می‌کند؛ از آن‌جایی که حوادث رمان در دو بخش یهودی‌نشین و عرب‌نشین سرزمین فلسطین اتفاق می‌افتد می‌توان نگرش شخصیت‌های داستان را به دو دسته تقسیم نمود؛ دستهٔ اول، شخصیت‌های اسرائیلی و دستهٔ دوم، شخصیت‌هایی که امین جعفری در مناطق فلسطینی با آن‌ها ملاقات می‌کند. درخصوص دستهٔ اول، گرچه او به این نگرش عمومی در بین مردم اشاره می‌کند که همهٔ آن‌ها از زاویهٔ مشترکی تروریسم را نکوهش می‌کنند ولی درعین حال هرکدام از آن‌ها نقطه نظر منحصر به فردی در این زمینه دارند. برخی افراد مانند عزرا بن حیمم انجام این‌گونه عملیات را نتیجهٔ بی‌توجهی به حقوق فلسطینیان می‌داند؛ درحالی که برخی مانند نوید رنان افسر پلیس مسبب واقعی را گروه‌های مبارز فلسطینی می‌داند که با شستشوی مغزی جوانان را تشویق به این‌گونه عملیات‌ها می‌کنند «گروه‌های بنیادگرای فلسطینی جوانان را می‌فرستند تا خود را در ایستگاه‌های اتوبوس منفجر کنند» (خضراء، ۲۰۰۵، ص. ۶۹).

خضراء از کاسبان تروریسم هم صحبت می‌کند افرادی مانند دکتر ایلان راس که همیشه امین جعفری را به چشم یک رقیب و یک دشمن می‌دیده ولی بعد از انفجار به خاطر به دست آوردن

کرسی ریاست بیمارستان طوماری را علیه او تهیه می‌کند و پرستاران را تشویق به امضای آن می‌کند «حمله انتحاری درست در زمان مناسب برای مشروعیت بخشیدن به طغیان شیاطین درونی‌اش اتفاق افتاد» (خضراء، ۲۰۰۵، ص. ۸۵). در واقع، افرادی مانند او از وقوع این گونه عملیات ابراز خرسندی می‌کنند زیرا باعث ارتقاء و تثبیت موقعیت آن‌ها می‌شود.

امین جعفری به عنوان یک شهروند و به ویژه، به عنوان یک پزشک انجام عملیات انتحاری را آدم‌کشی تلقی می‌کند و به همین علت، مصرانه سیهم را یکی از قربانیان این پدیده می‌داند و نه مسبب آن «همسرم قاتل بچه نیست» (خضراء، ۲۰۰۵، ص. ۵۶).

امین جعفری عاشق زندگی است و این را از قبیله‌اش آموخته و آن را شعار اصلی زندگی‌اش قرار داده «هیچ چیز، مطلقاً هیچ چیز بالاتر از زندگی شما نیست... و زندگی شما بالاتر از زندگی دیگران نیست» (خضراء، ۲۰۰۵، ص. ۱۰۲). از لحاظ امین، انسان تنها زمانی می‌تواند به بلوغ برسد که به این منطق پایبند باشد. دکتر جعفری از قول پدرش می‌گوید: «پدرم به من گفت هر کس به تو بگوید سمفونی بزرگتر از نفسی وجود دارد که به تو زندگی می‌دهد، به تو دروغ می‌گوید» (خضراء، ۲۰۰۵، ص. ۱۰۲). همین عشق به زندگی است که او را وادار می‌کند همه خطرات را به جان بخرد و به نواحی جنگی وارد شود و رو در روی مبارزان فلسطینی قرار گیرد «به او چه گفتید تا از او یک هیولا، تروریست، بنیادگرا بسازید؟» (خضراء، ۲۰۰۵، ص. ۱۵۵).

در مقابل، از نگاه ابومقوم از فرماندهان جنگ، مرگ و مصیبت در ماهیت جنگ وجود دارد و این تنها راه باقی‌مانده برای بازپس‌گیری وطن است «ما نه اسلام‌گرا هستیم و نه بنیادگرا آقای دکتر جعفری. ما فقط فرزندان مردمی غارت‌شده و سرکوب‌شده هستیم که با ابزارهای موجود برای بازیابی وطن و عزت خود مبارزه می‌کنیم» (خضراء، ۲۰۰۵، ص. ۱۵۶). او به امین جعفری رنج‌های زندگی مردم فلسطین را یادآوری می‌کند؛ از دیدگاه او کسی که به کشورش پشت کرده نمی‌تواند دیگران را مجبور کند تا نسبت به آن بی تفاوت باشند.

ما عصرها را با جمع‌آوری مردگان و صبح‌ها را به دفن آن‌ها می‌گذرانیم. حق و باطل کشور ما مورد تجاوز قرار گرفته است، فرزندان ما دیگر به یاد نمی‌آورند مدرسه یعنی چه... شهرهای ما در زیر ماشین‌آلات کاترپیلا فرو می‌ریزند... و شما صرفاً به این دلیل که در قفس طلایی خود گرم هستید، از دیدن جهنم ما خودداری می‌کنید (خضراء، ۲۰۰۵، ص. ۱۵۸).

رفتن به خانه آباء و اجدادی در کنار بزرگان طایفه و اتحاد مجدد با فامیل برای امین مسرت‌بخش است:

اقوام صبورانه منتظر نوبت خود هستند تا به من سلام کنند. هیچ‌کس مرا سرزنش نمی‌کند که خیلی دور رفتم. همه آن‌ها مرا می‌بخشند که سال‌ها آن‌ها را فراموش کردم... وقتی می‌بینم این همه مرا دوست دارند و می‌توانم تنها در ازای آن یک لبخند به آن‌ها بدهم متوجه می‌شوم که چقدر فقیرم (خضراء، ۲۰۰۵، ص. ۱۵۸).

با حضور نیروهای اسرائیلی برای تخریب خانه به بهانه انفجار در ایست بازرسی، این بار امین جعفری است که رو در روی نیروهای اسرائیلی می‌ایستد «اجازه نمی‌دهیم خانه ما را خراب کنید. مردمی که اینجا زندگی می‌کنند کجا بروند؟» (خضراء، ۲۰۰۵، ص. ۲۳۸). سؤال امین با خونسردی افسر اسرائیلی مواجه می‌شود که می‌گوید «این مشکل ما نیست... بولدوزر ما کور است و وقتی شروع به ویران کردن کند تا انتها پیش می‌رود» (خضراء، ۲۰۰۵، ص. ۲۳۸). وقتی فاتن، دختر عموی امین، دستش را می‌گیرد تا از مهلکه خارج کند، امین مقاومت می‌کند «ولی آن‌ها خانه را ویران می‌کنند» و فاتن جواب می‌دهد «خانه به چه درد می‌خورد وقتی وطن از دست رفته است؟» (خضراء، ۲۰۰۵، ص. ۲۳۸).

زمانی که بولدوزر نیروهای اسرائیلی شروع به تخریب خانه آباء و اجدادی می‌کند درگیری بین دکتر جعفری و سربازان اسرائیلی شروع می‌شود «خشونتت از وجودم کنده می‌شود و من به سوی بولدوزر هجوم می‌برم... و به هیولایی که گذشته‌ام را نابود می‌کند فریاد می‌زنم بس کن» (خضراء، ۲۰۰۵، ص. ۲۳۹) «سرباز دیگری با چماق به فکام می‌کوبد و من مانند تصویری از روی دیوار فرومی‌ریزم» (خضراء، ۲۰۰۵، ص. ۲۳۹).

اینک، در تحلیل جامعه‌نگار این اثر یک‌بار دیگر به تعریف کلود دوشه برمی‌گردیم. در تعریف دوشه از جامعه‌نگار، چند نکته کلیدی به چشم می‌خورد «مجموعه‌ای مبهم، ناپایدار و متناقض...» اما چرا مبهم؟ در پاسخ باید گفت: زیرا هسته‌ای که جامعه‌نگار در اطراف آن تعریف می‌شود جایگاه ثابتی ندارد و گفتمان خاصی است که خود را از دیدگاه‌های مختلف و در شرایط مختلف نشان می‌دهد. از طرفی چرا ناپایدار؟ زیرا می‌تواند از طریق شخصیت‌های درگیر رمان بین

قطب‌های متقابل در نوسان باشد؛ و چرا متناقض؟ زیرا به گفته دوشه، جامعه‌نگار یکپارچه نیست و ارزش‌ها و ضدارزش‌ها را در برمی‌گیرد.

گفتیم که عملیات تروریستی را به‌عنوان جامعه‌نگار اثر در نظر می‌گیریم زیرا انفجار در رستوران است که در ابتدای داستان زیربنای اثر را می‌سازد و کلیه گفتمان‌های آن را هدایت می‌کند. در ادامه، دکتر جعفری مورد تفتیش و سپس بازجویی طاقت‌فرسا قرار می‌گیرد و به دفعات توسط همسایگان و یا مردم کوچه و بازار مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرد. بعد از عملیات انتحاری مجدد توسط یکی از اقوام امین، خانه آباء و اجدادی او طبق قانون توسط سربازان اسرائیلی تخریب می‌شود و ساکنین آن آواره می‌شوند در نهایت، دکتر جعفری درحالی که برای نجات یکی از اقوامش به سمت جمعیت می‌رود توسط هواپیماهای بدون سرنشین اسرائیلی همراه با جمعیت زیادی از فلسطینیان کشته می‌شود. همان‌گونه که می‌بینیم، جایگاه تروریسم در داستان بین طرف فلسطینی و اسرائیلی در نوسان است و آنچه که توسط یک گروه ارزش تلقی می‌گردد توسط گروه مقابل ضدارزش است.

خضراء با ارائه روایتی جذاب و باورپذیر از زندگی یک فلسطینی نشان می‌دهد که آنچه که در رسانه‌های غربی به‌عنوان عملیات تروریستی نشان داده می‌شود در واقع پاسخ به تروریسمی است که دهه‌ها پیش با حمایت غرب و با اشغال سرزمین فلسطین توسط اسرائیل صورت گرفته است.

نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه نقد جامعه‌شناختی دوشه براساس مفاهیم تحلیلی مانند جامعه متن، جامعه مرجع، جامعه تاریخی، گفتمان‌های اجتماعی و جامعه‌نگار به تحلیل تعارضات اجتماعی تنیده شده در متن می‌پردازد، تحلیل یک اثر ادبی برپایه نظریه کلود دوشه در کل به ساختارهای درونی، شخصیت‌ها و استعاره‌های گوناگونی مرتبط می‌شود که متن، به‌وسیله آن‌ها از جامعه زمان خود سخن می‌گوید.

با مطالعه دقیق رمان، به‌ویژه گفتمان‌های تنیده در متن به این حقیقت پی می‌بریم که خضراء هماهنگی قابل توجهی بین ساختارهای جامعه متن و ساختارهای جامعه مرجع ایجاد نموده است. رمان سوء قصد با نگاه انسانی و دغدغه‌مند یک پزشک بی‌طرف، خواننده را با رنج‌ها و آلام مردم

آوارهٔ فلسطین آشنا می‌کند؛ ارجاعات فراوان نویسنده به خشونت‌ها و درگیری‌ها در سرزمین‌های اشغالی، جامعه‌ای را طراحی کرده که توانسته با جامعهٔ معاصر فلسطین هم‌ذات‌پنداری کند. به‌طور خلاصه، این‌گونه می‌توان نتیجه گرفت که خضراء در این اثر قصد داشته تفسیر متفاوتی از تروریسم ارائه دهد و اثری سرشار از احساسات انسانی با هدف بیدار نمودن وجدان و آگاهی جامعهٔ جهانی ترسیم نماید.

در پایان یادآور می‌شود بررسی نقد جامعه‌شناختی سومین رمان از سه‌گانهٔ یاسمینا خضراء با توجه به رویکرد کلود دوشه می‌تواند به‌عنوان موضوع مقالهٔ دیگری مورد بررسی قرار گیرد. همچنین موضوع تیتراژشناسی هر سه رمان این مجموعه از دیگر عناوین قابل پژوهش در همین راستاست که می‌تواند مورد توجه پژوهشگران قرار گیرد.

کتابنامه

- آذری ازغندی، ج. ، فارسیان، م.ر. و هادی‌تقی، ف. (۱۳۹۴). «خوانش جامعه‌شناختی مرگ قسطی لویی فردینان سلین». *پژوهش‌های ادب و زبان فرانسه*، ۳، ۱۱۹-۱۴۴.
- حیدری، م. و رفیعی، س. (۱۳۹۶). بررسی مقایسه‌ای دو اثر کرگدن نوشتهٔ اوژن یونسکو و کوری نوشتهٔ ژوزه ساراماگو. *مطالعات زبان فرانسه*، ۹ (۱۶)، ۲۷-۳۸.
- پوینده، م.ج. (۱۳۷۸). *تا دام آخر: گزیدهٔ گفتگوها و مقاله‌ها*. تهران: نشر چشمه.
- تادیه، ژا. (۱۳۷۷). *جامعه‌شناسی ادبیات و بنیانگذاران آن*، ترجمهٔ م.ج. پوینده. تهران: نشر نقش جهان.
- جواری، م.ح. و صدقیان، ز. (۱۳۹۷). بررسی پدیده اجتماعی «آنومی» و بازتاب آن در نوشتار رمان مرگ قسطی نوشته سلین. *قلم*، ۱۴ (۲۷)، ۴۹-۶۹.
- کریمیان، ف. و اعلائی، م. (۱۳۹۶). ستاره در حال مرگ، خوانش تاریخی اجتماعی رمان *ثریا در اغما*. *قلم*، ۱۲ (۲۵).
- کمالی، م.ج.، ابراهیمی، ر. و جعفری‌کاردگر، س. (۱۳۹۹). نقد تاریخی اجتماعی متن ادبی بر پایهٔ نظریهٔ کلود دوشه (مورد مطالعه رمان به امید دیدار در آن دنیا اثر پی‌یر لومتر). *پژوهش‌های زبان و ترجمهٔ فرانسه*، ۳ (۵).

- Ammosy, R. (2005). Entretien avec Claude Duchet. *Littérature*, 140, 125-132
- Angenot, M. (1989). 1889: *Un état du discours social*. Montréal : Éditions Balzac, coll. « Univers du discours ».
- Angenot, M. & CROS, E. (1993), *Teoría Literaria*, Siglo XXI.
- Duchet, C. (1971). Pour une socio-critique ou variation sur un incipit. *Littérature*, 1, .5-14.
- Duchet, C. (1979). *Sociocritique*. Paris : Nathan.
- Duchet, C. (2005). Entretien avec Claude Duchet. *Persée*, 140, 125-132.
- Duchet, C. (1973). Une écriture de la socialité. *Poétique*, 16, 446-454.
- Duchet, C. (06 /05/2020), *inventer le sociogramme*. http://WWW.sociocritique.com/fr/méthod/sc_methde4-p.htm.
- Khadra, Y. (2005). *L'Attentat*. Paris : Julliard.
- Robin, R. (1993). « Le sociogramme en question. Le dehors et le dedans du texte ». *Discours social*, 5 (1-2), 1-5.